



Linguistic Research in the Holy Quran
Vol. 15, No. 2, 2026
Research Paper

Analyzing the Role of Sensory Lexis in Constructing Emotional Experience in Surah Ar-Rahman: An Embodied Semantics Approach to the Interaction Between Language and Emotion

Mohammad Taheri *, Naser Gharekhani

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu- Ali Sina University, Hamedan, Iran
Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Bu- Ali Sina University, Hamedan, Iran

Abstract

Surah Ar-Rahman has long garnered the attention of commentators and linguists due to its sophisticated imagery and novel sensory descriptions. This study aims to investigate the role of sensory lexis in creating emotional experiences for the audience of this Surah through the lens of Embodied Semantics. This approach posits that meaning is not an abstract entity detached from bodily experience; rather, it is the product of the interaction between the mind, body, and environment, emphasizing the role of sensory-motor experiences in conceptual formation and emotional arousal. Using a descriptive-analytical method, data were collected by conducting a comprehensive review of the verses of Surah Ar-Rahman to identify lexis and phrases denoting the five senses (sight, hearing, smell, taste, and touch). Subsequently, drawing on the theoretical foundations of embodied semantics, the study analyzes how these terms activate image schemas and mental simulations, and ultimately, how they influence the elicitation of emotional responses, such as awe (Khashyat), hope, gratitude, and joy, in the listener. Findings indicate that Surah Ar-Rahman—through the strategic and dense application of sensory lexis, particularly in describing the blessings of Paradise and the torments of Hell—reconstructs vivid sensory experiences in the mind of the audience. This sensory reconstruction is directly linked to the brain's emotional systems and significantly contributes to a deeper understanding of abstract concepts such as Divine Mercy, Justice, and God's Omnipotence.

Keywords: Surah Ar-Rahman, Sensory Lexis, Emotional Experience, Embodied Semantics.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/nrgs.2025.145337.2055>

مقاله پژوهشی

تحلیل نقش واژگان حسی در خلق تجربه عاطفی در سورة الرحمن (رویکرد معناشناسی تجسمی به تعامل زبان و هیجان)

محمد طاهری^{۱*}، ناصر قره‌خانی^۲

۱- دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

mtaheeri@basu.ac.ir

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

gharekhani@basu.ac.ir

چکیده

سورة الرحمن، به دلیل بهره‌گیری از زبان تصویر و توصیفات حسی بدیع، همواره مورد توجه مفسران و زبان‌شناسان بوده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واژگان حسی در ایجاد تجربه عاطفی در مخاطب این سوره، از منظر معناشناسی تجسم انجام شده است. این رویکرد، معنا را نه امری انتزاعی و منفک از تجربه بدنی، بلکه برآیند تعامل ذهن، بدن و محیط می‌داند و بر نقش تجربیات حسی-حرکتی در شکل‌گیری مفاهیم و برانگیختن هیجانات تأکید دارد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق بررسی کامل آیات سورة الرحمن و شناسایی واژگان و عبارات دال بر حواس پنج‌گانه (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه) گردآوری شده‌اند. سپس، با بهره‌گیری از مبانی نظری معناشناسی تجسمی، چگونگی فعال‌سازی طرح‌واره‌های تصویری و شبیه‌سازی‌های ذهنی توسط این واژگان و در نهایت، تأثیر آنها بر ایجاد پاسخ‌های عاطفی همچون خشیت، امید، شکرگزاری و بهجت در مخاطب تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد سورة الرحمن با استفاده هوشمندانه و متراکم از واژگان حسی، به ویژه در توصیف نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های دوزخی، تجربیات حسی زنده‌ای را در ذهن مخاطب بازآفرینی می‌کند. این بازآفرینی حسی مستقیماً با سیستم‌های عاطفی مغز در ارتباط است و به درک عمیق‌تر مفاهیم انتزاعی مانند رحمت الهی، عدالت و قدرت مطلق خداوند کمک شایانی می‌کند.

واژگان کلیدی: سورة الرحمن، واژگان حسی، تجربه عاطفی، معناشناسی تجسمی.

۱- طرح مساله

زبانی و تأثیرات روان‌شناختی، مورد توجه اندیشمندان

بوده است. اعجاز بیانی قرآن، که یکی از وجوه بنیادین آن

به شمار می‌رود، فراتر از فصاحت و بلاغت ظاهری، در

قرآن کریم، به عنوان متن مقدس مسلمانان، همواره از

منظرهای گوناگون، از جمله محتوای هدایتی، ساختار

تجربیات حسیِ گرما و سوختن برمی‌انگیزد. این کاربرد استادانه زبان حسی محتوای انتزاعی پاداش و کیفر را به تجربه‌ای ملموس و عاطفی بدل می‌کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با بهره‌گیری از اصول معناشناسی تجسمی، تبیینی دقیق‌تر از قدرت تأثیرگذاری این سوره ارائه دهد و به این پرسش‌های اساسی پاسخ گوید:

۱. واژگان حسی در سوره الرحمن از طریق چه سازوکارهای شناختی-زبانی، به خلق تجربیات عاطفی ملموس (همچون امید، ترس، شکر و خشیت) در مخاطب منجر می‌شوند؟

۲. الگوهای طرح‌واره‌ای حسی-حرکتی اصلی که در توصیف نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنمی در این سوره به کار رفته‌اند، کدام‌اند و چگونه در ذهن مخاطب فعال می‌شوند؟

۱-۲- پیشینه و ضرورت پژوهش

مطالعه بر روی اعجاز بیانی و ساختار زبانی قرآن کریم تاریخی طولانی دارد؛ اما در دهه‌های اخیر، رویکردهای نوین زبان‌شناسی و علوم شناختی افق‌هایی جدید را برای فهم سازوکارهای تأثیرگذاری این متن مقدس گشوده‌اند.

در حوزه مطالعات زبان‌شناختی قرآن، رویکردهای زبان‌شناختی نوین (مانند تحلیل گفتمان، معناشناسی واژگانی، کاربردشناسی) از چند دهه گذشته معمول بوده‌اند. برای مثال، ایزوتسو (۱۳۶۱) در کتاب *خدا و انسان در قرآن*، معناشناختی مفاهیم کلیدی قرآن را تحلیل کرده است. در پژوهش‌های متأخر فارسی، گرایش به این حوزه پژوهشی بیشتر شده است و پژوهش‌هایی متعدد در زمینه تحلیل انسجام متنی روابط معنایی واژگان و ساختارهای نحوی قرآن انجام شده‌اند. این سلسله آثار را می‌توان در چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

تولنایی منحصربه‌فرد آن برای برقراری ارتباطی عمیق با مخاطب و ایجاد تحول درونی در او ریشه دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۹۶). در این میان، سوره مبارکه الرحمن نمونه‌ای برجسته از این قدرت تأثیرگذاری است. این سوره با ساختار آهنگین و موزون، تکرار هدفمند آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» و بهره‌گیری از توصیفات حسی و ملموس، تجربه عاطفی عمیقی در مخاطب برمی‌انگیزد.

در دهه‌های اخیر، با گسترش رویکردهای شناختی در زبان‌شناسی، به ویژه نظریه معناشناسی تجسمی^۱، پیوند میان زبان، بدن و تجربیات زیسته انسان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد، معنا را نه پدیده‌ای انتزاعی، بلکه محصول تعاملات حسی-حرکتی انسان با جهان پیرامون خود می‌داند. بر این اساس، تجربیات بدنی^۲ مانند دیدن، لمس کردن، چشیدن و حرکت کردن، شالوده درک مفاهیم زبانی را تشکیل می‌دهند و فهم زبان مستلزم شبیه‌سازی ذهنی آن تجربیات است (Gibbs, 2006, p. 36).

سوره الرحمن، با غنای واژگان حسی خود، بستری ایده‌آل برای تحلیل چگونگی خلق تجربه عاطفی از طریق سازوکارهای زبانی-شناختی فراهم آورده است. برای نمونه، توصیف بهشت با تعبیر «ذَوَلْتَا أَفْنَانٍ» (باغ‌هایی دارای شاخسار پرتراوت و گسترده)، تصویری از سرسبزی، سایه و فراوانی را در ذهن تداعی می‌کند. همچنین، اشاراتی همچون «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ» (در آن دو [باغ]، دو چشمه روان است) و «فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ» (در آن دو، از هر میوه‌ای دو گونه وجود دارد)، به ترتیب تجربیات شنیداری و دیداری از آب جاری و تجربیات چشایی و بویایی از تنوع و فراوانی میوه‌ها را در ذهن مخاطب فعال می‌کنند. در مقابل، تصویرسازی عذاب دوزخیان با عبارت‌هایی همچون «يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آَنِ» (میان آتش و آب جوشان در رفت‌وآمدند)، احساساتی هانند ترس، درد و اضطراب را از طریق شبیه‌سازی

² bodily experiences

¹ Embodied Semantics

نخستین دسته پژوهش‌ها بر یکپارچگی و انسجام سوره‌های قرآن تمرکز دارند. این نگرش، که ریشه در «علم مناسبات» سنتی دارد، امروزه با ابزارهای زبان‌شناسی متن تقویت شده است. کتاب چهره پیوسته قرآن نوشته ایازی (۱۳۸۰) نخستین پژوهش منسجم در این باره است. به نظر نویسنده این کتاب، پیوستگی میان آیات قرآن امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر و لازمه عدم قبول پیوستگی، پذیرفتن بی‌نظمی و ناهمخوانی میان آیات و مطالب مطرح شده در قرآن است (ایازی، ۱۳۸۰، ص ۹۱). کتاب ساختار هندسی سوره‌های قرآن نوشته خامه‌گر (۱۳۸۶)، نمونه‌ای دیگر از این رویکرد است که می‌کوشد برای هر سوره یک «غرض واحد» و ساختاری منسجم تعریف کند. هرچند این اثر در تثبیت اصل وحدت سوره‌ها ارزشمند است، تمرکز آن بر یافتن یک محور موضوعی واحد گاهی ممکن است پیچیدگی و تنوع مضامین درهم‌تنیده یک سوره را نادیده بگیرد.

همچنین، مقاله‌هایی همچون «عوامل انسجام متنی در سورة نوح» از ولیئی و همکاران (۱۳۹۵)، و نیز «بررسی روابط متنی قرآن (مطالعه موردی سورة احقاف)» نوشته مراد صحرایی و نصرتی موموندی (۱۳۹۳)، کاربرد عملی این نظریه‌های ساختاری را نشان می‌دهند. این مطالعات یکپارچگی متن را به عنوان پیش‌فرض تحلیل‌های معناشناختی تأیید می‌کنند. در مقابل، ذوقی (۱۳۹۲) در مقاله «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم»، با نگاهی انتقادی به رویکردهای خطی، الگوی «بازگشتی» را پیشنهاد می‌دهد و معتقد است انسجام در سوره‌ها از طریق بازگشت مکرر به مضامین و واژگان کلیدی در سطوح مختلف شکل می‌گیرد. این دیدگاه شبکه‌ای به رویکرد پژوهش حاضر نزدیک‌تر است، اما تمرکز آن بر ساختار کلی است و سازوکار شناختی واژگان را بررسی نمی‌کند.

دسته دوم پژوهش‌ها بر عناصر زیبایی‌شناختی و هنری زبان قرآن متمرکز هستند. مقاله «هنر سازه‌های مفید در

سوره‌های الرحمن، حدید و حشر» از کاشف بناب و همکاران (۱۴۰۲)، با رویکرد صورت‌گرایی روس، فنون بلاغی در سورة الرحمن را تحلیل می‌کند و نقش آنها را در شگفت‌انگیزکردن متن بررسی می‌کند. این تحلیل در شناسایی ماهیت ابزارهای سبکی موفق است، اما چگونگی تأثیر شناختی آنها بر ذهن و عاطفه مخاطب را تبیین نمی‌کند. اقبالی و قربانی (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل عناصر تصویر هنری در آیات مربوط به حیات بعد از مرگ»، به این حوزه نزدیک‌تر می‌شوند. نویسندگان در این مقاله استدلال کرده‌اند قرآن کریم برای ملموس کردن حقایق هستی، از تصویرگری هنری بهره برده و در پرتو استخدام عناصر هنری از جمله عاطفه، تجسیم، تشخیص، تمثیل و حرکت، بسیاری از معارف توحیدی و پدیده‌های آشکار و پنهان و بسیاری از معالِم غیبی را تبیین کرده است. در این مقاله، مصادیقی از تصویرگری‌های هنری آیات قرآنی مربوط به حیات بعد از مرگ، با تکیه بر کاربرد این عناصر در زبان عربی، تبیین و تحلیل شده‌اند.

با ورود علوم شناختی به حوزه مطالعات دینی، پژوهش‌هایی با تمرکز بر جنبه‌های شناختی فهم قرآن و تأثیر آنها بر ذهن و رفتار آغاز شده‌اند. مقله «بررسی شناختی استعاره‌های حوزه مفهومی اسماء زمان در قرآن کریم» از نظری و موسوی بفروئی (۱۳۹۹)، نمونه برجسته این رویکرد است که نشان می‌دهد چگونه مفاهیم انتزاعی (مانند زمان) از طریق استعاره‌های مبتنی بر تجربیات ملموس (مانند مکان و حرکت) درک می‌شوند. این پژوهش اهمیت تجربیات بدنی در فهم مفاهیم را نشان می‌دهد، اما تمرکز آن بر استعاره است و نه بر تأثیر مستقیم واژگان حسی.

آخرین دسته از مقاله‌های انجام‌شده با محوریت «بررسی زبان حسی و عاطفی» انجام شده‌اند که برای نمونه، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

آرام (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «معناشناسی خشیت در قرآن کریم»، یک هیجان خاص (خوف آمیخته با

همچون شبیه‌سازی زبانی، استدلال خواهیم کرد زبان حسی این سوره ابزاری بنیادین برای فعال‌سازی مجدد تجربیات حسی-حرکتی در ذهن مخاطب است.

۲- چارچوب نظری و مفاهیم کلیدی

در این بخش، مبانی نظری پژوهش، یعنی معناشناسی تجسمی و رابطه زبان و هیجان، و همچنین تعریف مفاهیم اساسی استفاده‌شده در این مقاله را ارائه می‌دهیم.

۲-۱- معناشناسی تجسمی^۲

معناشناسی تجسمی که ریشه در فلسفه تجربه‌گرایی و پدیدارشناسی دارد و در دهه‌های پایانی قرن بیستم توسط زبان‌شناسان شناختی همچون جورج لیکاف، هارک جانسون، رونالد لانگاکر و لارنس بارسالو بسط یافته است، دیدگاه سنتی به معنا را به چالش می‌کشد. در دیدگاه‌های کلاسیک، معنا معمولاً به عنوان یک موجودیت انتزاعی، منفک از بدن و مستقل از تجربیات فردی در نظر گرفته می‌شد (Sing, 2024, p. 6). در مقابل، معناشناسی تجسمی استدلال می‌کند فهم و بازنمایی معنا عمیقاً در تجربیات حسی-حرکتی، بدنی و تعاملات ما با جهان فیزیکی و اجتماعی ریشه دارد (Lakoff & Johnson, 1980, p. 3). بر این اساس، ذهن انسان نه فقط منفک از بدن نیست، بلکه باید اذعان داشت بدن آدمی، ذهن ذاتاً تجسم‌یافته است (Varela et al., 1991).

چند اصل کلیدی در معناشناسی تجسمی عبارت‌اند از:

۲-۱-۱- تجسم‌یافتگی^۳

این اصل بیانگر آن است که ساختارهای مفهومی ما، حتی مفاهیم انتزاعی، برخاسته از تجربیات بدنی ما و نحوه تعامل ما با جهان هستند و نحوه حرکت ما، ادراک ما از

تعظیم) را عمیقاً بررسی می‌کند و آن را حالتی قلبی و ناشی از معرفت می‌داند. این تحلیل، هرچند عمیق، اما محدود به یک واژه هیجانی است و طیف گسترده واژگان حسی که این هیجانات را برمی‌انگیزند را بررسی نمی‌کند. محمدی حسن‌آبادی (۱۳۹۳) در مقاله «رویکردی نشانه‌شناختی به مفهوم رنگ و کاربست آن در قرآن کریم»، یکی از حوزه‌های حسی (بینایی) را به تفصیل بررسی و به معانی ضمنی و کاربردی رنگ‌ها اشاره می‌کند.

محمدرضایی و طهماسبی (۱۳۹۸) در مقاله «سوره الرحمن در اسائه صوتیه شامله»، همین کار را برای حوزه شنوایی انجام می‌دهند و بر زیبایی‌شناسی موسیقی و «همراهی صوت و معنا» در سوره الرحمن تأکید می‌کنند.

با دقت نظر در این پیشینه پژوهشی، ملاحظه می‌شود پژوهشگران این حوزه، هرچند با رویکردهای گوناگون، ظرافت‌های زبانی آیات قرآنی را تحلیل و واکاوی کرده‌اند، اما سازوکار شناختی این تأثیرگذاری و پیوند آن با تجربیات بدنی و سیستم‌های عاطفی را به تفصیل بررسی نکرده‌اند. این در حالی است که معناشناسی تجسمی ابزارهای مفهومی قدرتمندی برای فهم این فرایند ارائه می‌دهد. برای مثال، نظریه شبیه‌سازی زبانی^۱ بیان می‌کند فهم جملات شامل بازفعال‌سازی تجربیات حسی-حرکتی مرتبط با محتوای آن جملات است (Bergen, 2012, p. 34). برای مثال، وقتی قرآن از «حَرِيرٍ» (ابریشم) در توصیف لباس بهشتیان سخن می‌گوید، ممکن است مناطق مغزی مرتبط با تجربه لمس نرمی و لطافت در شنونده فعال شوند و این امر به ایجاد حس لذت و آرامش کمک کند.

در مقاله حاضر، هدف آن است تا این خلأ پژوهشی را با ارائه یک تحلیل یکپارچه از واژگان حسی در سوره الرحمن برطرف کنیم و برای نیل به این هدف، به فهرست‌کردن تصاویر بلاغی یا تحلیل یک حس خاص بسنده نخواهیم کرد، بلکه با بهره‌گیری از نظریه‌هایی

³ Embodiment

¹ Language Theory Simulation

² Embodied Semantics

فضا، و تعامل ما با اشیاء، شالوده مفاهیم انتزاعی را نیز تشکیل می‌دهد (Johnson, 1987, p. 29). بر این اساس، ساختارهای مفهومی ما، حتی مفاهیم انتزاعی، از تجربیات بدنی و نحوه تعامل ما با جهان نشئت می‌گیرند. به بیان دیگر، ذهن برای درک مفاهیم پیچیده از الگوهای ساده و ملموسی که از طریق بدن کسب کرده است، به عنوان شالوده و نقشه راه بهره می‌برد. شاید برجسته‌ترین نمونه اصل تجسم‌یافتگی، درک ما از «زمان» باشد؛ از آنجا که تجربه ما همواره حرکتی رو به «جلو» در فضا است، ذهن همین الگوی حرکتی را برای مفهوم ناملموس زمان به کار می‌گیرد و به همین خاطر، از آینده با عنوان «پیش رو» و از گذشته با عنوان «پشت سر» یاد می‌کنیم. بنابراین، شیوه حرکت، درک ما از فضا و تعامل ما با اشیاء، صرفاً فعالیت‌هایی فیزیکی نیستند، بلکه بلوک‌های سازنده تفکر انتزاعی ما به شمار می‌روند.

۲-۱-۲- شبیه‌سازی^۱

این اصل، که به ویژه توسط بارسالو (Barsalou, 1999) مطرح شده است، بیان می‌کند فهم زبان، به ویژه زبان ملموس و حسی، شامل فعال‌سازی مجدد^۲ نواحی مغزی است که هنگام تجربه واقعی آن پدیده فعال می‌شوند. به عبارت دیگر، ما معنا را با شبیه‌سازی ذهنی تجربیات مرتبط با آن درک می‌کنیم (Zwaan, 2004, p. 37). برای مثال، شنیدن جمله «او سیب قرمز را برداشت»، می‌تواند باعث فعال‌سازی نواحی مغزی مرتبط با دیدن رنگ قرمز، شکل سیب و حرکت برداشتن شود. این شبیه‌سازی یک فرایند چندوجهی است:

۱. شبیه‌سازی ادراکی^۳: با شنیدن «سیب قرمز»، ذهن

۲. شبیه‌سازی حرکتی^۴: هم‌زمان، فعل «برداشت»، نواحی حرکتی مغز^۵ را فعال می‌کند که با عمل دست‌بردن، گرفتن و بلند کردن یک شیء مرتبط هستند. در نتیجه، شنونده به شکلی ناخودآگاه، طرح‌واره فیزیکی گرفتن جسمی با وزن و شکل تقریبی یک سیب را در ذهن خود اجرا می‌کند.

بنابراین، شبیه‌سازی ایجادشده در پاسخ به این جمله، یک تجربه ذهنی مرکب است که از ترکیب یک تصویر بصری (رنگ و شکل) و یک الگوی حرکتی (عمل برداشتن) تشکیل شده است. این فرایند باعث می‌شود فهم جمله از یک فعالیت زبانی انتزاعی به یک تجربه شبه‌واقعی و تجسم‌یافته تبدیل شود.

۲-۱-۳- طرح‌واره‌های تصویری^۶

این طرح‌واره‌ها ساختارهای مفهومی پیش‌زبانی، پویا و تکرارشونده‌ای هستند که از تجربیات بدنی مکرر ما در فضا، حرکت و تعامل با نیروها نشئت می‌گیرند. طرح‌واره‌هایی مانند محفظه^۷، مسیر^۸، بالا-پایین^۹، مرکز-پیرامون^{۱۰}، پیوند^{۱۱} و نیرو^{۱۲} به سازمان‌دهی تجربیات ما و درک مفاهیم انتزاعی کمک می‌کنند (Geeraerts, 2007, p. 35). برای مثال، مفهوم «درک کردن یک مطلب» معمولاً با طرح‌واره «گرفتن» یا «درون محفظه قراردادن» بیان می‌شود.

۲-۱-۴- استعاره مفهومی^{۱۳}

¹ Simulation

² re-enactment

³ Perceptual Simulation

⁴ Motor Simulation

⁵ motor cortex

⁶ Image Schemas

⁷ Container

⁸ Path

⁹ Up-Down

¹⁰ Center-Periphery

¹¹ Link

¹² Force

¹³ Conceptual Metaphor

بسیاری از مفاهیم انتزاعی از طریق نگاشت^۱ ساختار مفاهیم ملموس‌تر و تجسم‌یافته‌تر درک می‌شوند. برای مثال، استعاره «بحث، جنگ است» باعث می‌شود ما از واژگانی همچون «حمله کردن به دیدگاه»، «دفاع از موضع» و «شکست دادن استدلال» استفاده کنیم (Lakoff & Johnson, 1980, p. 3). این استعاره‌ها نیز ریشه در تجربیات بدنی دارند.

در زمینه زبان قرآن، رویکرد تجسمی می‌تولند به ما کمک کند تا بفهمیم چگونه توصیفات حسی از بهشت و جهنم، صرفاً اطلاعاتی درباره این مکان‌ها نیستند، بلکه تلاش دارند تا تجربه‌ای شبیه‌سازی شده از آنها را در ذهن مخاطب ایجاد کنند - تجربه‌ای که همواره از آن با تعبیر «تقریب به ذهن» یاد می‌شود - تا از این طریق، تأثیر عاطفی عمیقی در مخاطب برجای بگذارند.

۲-۲-۲- تعامل زبان و هیجان از منظر شناختی

رابطه میان زبان و هیجان پیچیده و دوسویه است. زبان نه فقط برای بیان هیجانات به کار می‌رود، بلکه می‌تواند هیجانات را برانگیزد، تنظیم کند و حتی در شکل‌گیری و مفهوم‌سازی آنها نقش داشته باشد (Lindquist et al., 2015, p. 594; Schiewer et al., 2022, p. 14). از منظر شناختی، هیجانات به عنوان پاسخ‌های انطباقی چندمؤلفه‌ای به محرک‌های محیطی (داخلی یا خارجی) در نظر گرفته می‌شوند که شامل مؤلفه‌های فیزیولوژیکی (تغییرات بدنی)، شناختی (ارزیابی موقعیت)، بیانی (حالات چهره و بدن) و تجربی (احساس ذهنی و سوژکتیو) هستند (Lazarus, 1991, p. 830; Scherer, 2005, p. 700). زبان در چندین سطح با این فرایند درگیر است:

۲-۲-۱- برانگیختن هیجان از طریق زبان

واژگان، به ویژه آنهایی که بار عاطفی ذاتی دارند (مانند «عشق»، «نفرت») یا به تجربیات حسی مرتبط با

هیجانات اشاره می‌کنند (برای مثال، «تاریکی» برای ترس، «نور» برای امید)، می‌توانند مستقیماً پاسخ‌های هیجانی را فعال کنند. این امر به ویژه در مورد واژگان حسی صادق است؛ زیرا همان‌طور که در معناشناسی تجسمی بیان شد، این واژگان می‌توانند شبیه‌سازی‌های ادراکی را ایجاد کنند که به نوبه خود با مراکز هیجانی مغز (مانند آمیگدال و قشر اینسولا) در ارتباط هستند (Ross & Atkinson, 2020).

۲-۲-۲- نقش زبان در نام‌گذاری و مفهوم‌سازی هیجان
زبان به ما امکان می‌دهد تا تجربیات هیجانی پیچیده و گاه مبهم خود را نام‌گذاری، مقوله‌بندی و متمایز کنیم. این فرایند به درک بهتر، مدیریت و به‌اشتراک‌گذاری هیجانات کمک می‌کند. فرهنگ‌های مختلف ممکن است واژگانی متفاوت برای توصیف طیف‌های هیجانی داشته باشند که این خود نشان‌دهنده تأثیر زبان بر تجربه و ساخت هیجانی است (Russell, 1991, p. 427).

۲-۲-۳- نقش زبان در تنظیم هیجان

از طریق زبان می‌توانیم هیجانات خود را بازتفسیر کنیم (ارزیابی مجدد شناختی)، به خود دل‌داری دهیم (خودتنظیمی کلامی)، یا از دیگران حمایت عاطفی دریافت کنیم، که همگی به تنظیم شدت و مدت هیجانات کمک می‌کنند (Gross & John, 2003, p. 350).

در قرآن کریم، زبان علاوه بر اینکه برای توصیف حالات عاطفی شخصیت‌ها یا پیامدهای اعمال (برای مثال، شادی مؤمنان، اندوه و پشیمانی کافران) به کار رفته، از طریق توصیفات قدرتمند حسی و استعاره‌های تجسم‌یافته، نیز به طور فعال در پی برانگیختن و جهت‌دهی به هیجانات مخاطب است. این امر با هدف ایجاد تحول درونی و سوق‌دادن او به سوی ایمان و عمل صالح صورت می‌گیرد.

¹ Mapping

درخشش، و همچنین شکل و ساختار منظم و دلپذیر، به وفور یافت می‌شود. رنگ سبز، به عنوان نماد حیات، طراوت، رشد و آرامش، به شکلی برجسته در توصیف باغ‌های بهشتی به کار رفته است. آیاتی مانند «ذَوَاتَا أَفْنَانٍ» (الرحمن ۴۸) که به باغ‌هایی با شاخسارهای پرطراوت و گسترده اشاره دارد، تصویری از سرسبزی و انبوهی درختان را ارائه می‌دهند. این شاخسارها علاوه بر اینکه منظره‌ای زیبا خلق می‌کنند، سایه و خنکی را نیز تداعی می‌کنند. در ادامه، آیه «مُتَكِّينَ عَلَى رُفَفٍ خُضْرٍ وَعَبَقَرٍ حِسَانٍ» (الرحمن ۷۶)، بهشتیان را در حالی توصیف می‌کند که بر بالش‌ها و پشته‌های سبزرنگ و فرش‌های نفیس و زیبا تکیه زده‌اند. «خُضْر» (سبز) در اینجا مستقیماً به رنگ اشاره دارد. پژوهش‌ها در حوزه روان‌شناسی رنگ نشان می‌دهند رنگ سبز به دلیل تداعی طبیعت و ایجاد هماهنگی در دستگاه عصبی، حس آرامش و آسایش بصری را در انسان القا می‌کند (Wood, 1998, p. 45). همچنین، عبارت «مُدْهَمَاتَانِ» (الرحمن ۶۴) که برای توصیف دو باغ دیگر بهشتی به کار رفته، به معنای «دو باغی که از شدت سبزی به سیاهی می‌زنند» است و نهایت سرسبزی، تراکم و خرمی را به تصویر می‌کشد. این شدت رنگ عمق و غنای بصری خاصی به تصویر می‌بخشد.

علاوه بر رنگ سبز، درخشش و زیبایی رنگ‌های دیگر نیز در توصیف نعمت‌های بهشتی به چشم می‌خورد. برای مثال، در توصیف حوریان بهشتی آمده است: «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» (الرحمن ۵۸). تشبیه حوریان به یاقوت (با رنگ سرخ و درخشان) و مرجان (با رنگ‌های متنوع و زنده)، زیبایی، صفا، پاکی و درخشندگی فوق‌العاده آنان را به تصویر می‌کشد و جاذبه بصری قدرتمندی ایجاد می‌کند.

از نظر شکل و ساختار، توصیف دو باغ «جَنَّاتٍ» (الرحمن ۴۶ و ۶۲) که به صورت زوج و قرینه مطرح می‌شوند، چشمه‌های روان «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ»

۳-۲- واژگان حسی و نقش آن‌ها در زبان

واژگان حسی به کلماتی اطلاق می‌شود که مستقیماً به تجربیات حواس پنج‌گانه (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه) اشاره دارند (Ritchie, 2022, p. 87). این واژگان با فعال‌سازی شبیه‌سازی‌های ادراکی در مغز، به درک ملموس‌تر مفاهیم و ایجاد ارتباط عاطفی قوی‌تر با مخاطب کمک می‌کنند. استفاده مؤثر از واژگان حسی در ادبیات و متون دینی می‌تواند خواننده را به دنیای متن منتقل کند و به او اجازه دهد تا وقایع و توصیفات را به گونه‌ای تجربه کند که گویی خود در آنجا حضور دارد. این «حضور»^۱ شبیه‌سازی‌شده کلید تأثیرگذاری عاطفی عمیق است (Zwaan, 2004, p. 37). سورة الرحمن نمونه‌ای برجسته از این کاربرد راهبردی واژگان حسی است.

۳- یافته‌های پژوهش و تحلیل آنها

تحلیل آیات سورة الرحمن نشان می‌دهد این سوره سرشار از واژگان و عبارت‌هایی است که به طور مستقیم حواس پنج‌گانه مخاطب را درگیر می‌کنند. این درگیری حسی زمینه را برای یک تجربه عاطفی عمیق و چندوجهی فراهم می‌آورد.

۳-۱- واژگان حسی بصری^۲

حس بینایی، به دلیل نقش غلب آن در ادراک انسان از جهان پیرامون، بیشترین سهم را در میان واژگان حسی سورة الرحمن دارد. توصیفات بصری بهشت و جهنم و همچنین پدیده‌های طبیعی که نشانگر قدرت و تدبیر الهی هستند، با جزئیات و رنگ‌های زنده و تأثیرگذار ارائه شده‌اند تا تصویری روشن و ماندگار در ذهن مخاطب ایجاد کنند.

۳-۱-۱- توصیفات بصری بهشت

در توصیف بهشت، استفاده از رنگ‌ها، نور و

² Visual Lexicon

¹ Presence

می‌کشد، یا «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (الرحمن/۷) که برافراشتگی آسمان و استقرار نظام و عدالت را نشان می‌دهد، و همچنین «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ» (الرحمن/۱۹-۲۰) که دو دریای مختلف را در کنار هم و در حال تلاقی اما بدون آمیختگی توصیف می‌کند، همگی تصاویر بصری شگفت‌انگیزی از خلقت ارائه می‌دهند که می‌تواند منجر به تأمل و خشوع در برابر خالق شود.

۳-۱-۴- تحلیل شناختی-عاطفی واژگان بصری

این توصیفات بصری غنی، با فعال‌سازی قشر بینایی در مغز، شبیه‌سازی‌های ذهنی زنده‌ای از صحنه‌های بهشت، جهنم و طبیعت در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند (Bergen, 2012, p. 88). رنگ سبز که در روان‌شناسی رنگ با آرامش، امید، زندگی و رشد مرتبط است (Meola, 2005, p. 39)، در توصیف بهشت به ایجاد حس امید، طراوت، آسایش و امنیت روانی کمک می‌کند. درخشش یاقوت و مرجان، حس زیبایی‌شناختی، لذت بصری و شگفتی را برمی‌انگیزد. نظم و تقارن در ساختار بهشت، حس کمال و هماهنگی را القا می‌کند. در مقابل، تصاویر آتش، دود و رنگ‌های تیره مرتبط با جهنم، با فعال‌سازی طرح‌واره‌های ذهنی مرتبط با خطر، درد و نابودی، حس ترس، اضطراب و دلهره را القا می‌کنند. تماشای عظمت و نظم بصری در پدیده‌های طبیعی مانند آسمان، دریاها و حرکت خورشید و ماه، می‌تواند حس خشیت، شگفتی و در نهایت شکرگزاری نسبت به قدرت و حکمت خالق را در پی داشته باشد. این تصاویر بصری مفاهیم انتزاعی مانند رحمت، عدالت، عذاب و قدرت الهی را به اموری ملموس و قابل تجربه تبدیل می‌کنند.

(الرحمن/۵۰) و چشمه‌های جوشان «فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ» (الرحمن/۶۶)، و میوه‌هایی که از هر کدام دو گونه وجود دارند «فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ» (الرحمن/۵۲)، همگی تصاویر بصری روشنی از نظم، فراوانی، تقارن و زیبایی ساختاری بهشت ارائه می‌دهند. این نظم و تقارن که مایه زیبایی بصری و لذت‌بخش است، می‌تواند حس آرامش و کمال را در بیننده القا کند.

۳-۱-۲- توصیفات بصری جهنم

در مقابل تصاویر روشن و زیبای بهشت، توصیفات بصری جهنم با عناصر تیره، دهشتناک و مرتبط با آتش همراه است. هرچند در این سوره به طور مستقیم از واژه «تاریکی» استفاده نشده است، تضاد با نورانیت بهشت و تمرکز بر آتش و دود، فضایی تیره و رعب‌آور را القا می‌کند. آیه «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ» (الرحمن/۳۵) به شعله‌های خالص و بدون دود آتش (شواظ) و همچنین دود غلیظ و تیره (نحاس) اشاره دارد که بر مجرمان فرستاده می‌شود. این ترکیب از شعله و دود تصویری دیداری از عذابی فراگیر و گریزناپذیر را ارائه می‌دهد. واژه «نُحَاسٌ» به دلیل ارتباط با فلز گداخته یا دود تیره، رنگ‌های تیره، سرخ و کدر را به ذهن متبادر می‌کند. خود واژه «نَارٍ» (آتش) که در آیه «هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ» (الرحمن/۴۳) به آن اشاره شده، یکی از قدرتمندترین تصاویر دیداری است که رنگ‌های قرمز، نارنجی و زرد شعله‌های سوزان و همچنین حرکت و پویایی مخرب آن را به ذهن می‌آورد.

۳-۱-۳- توصیفات بصری پدیده‌های طبیعی

سوره الرحمن همچنین از توصیفات بصری پدیده‌های طبیعی برای نشان دادن عظمت، نظم و قدرت خداوند بهره می‌گیرد. آیاتی مانند «وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» (الرحمن/۶) که گیاهان بی‌ساقه و درختان را در حال سجده به تصویر

۳-۲- واژگان حسی شنیداری^۱

هرچند واژگان حسی بصری در سورة الرحمن غلبه دارند، حس شنوایی نیز به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم در خلق فضای عاطفی و تجربی سورة نقش ایفا می‌کند. اصوات، چه حضورشان و چه غیابشان، می‌توانند تأثیراتی عمیق بر حالات روانی انسان داشته باشند. سورة الرحمن از این ظرفیت به‌خوبی بهره می‌برد.

۳-۲-۱- اصوات دلنشین و آرامش‌بخش در توصیف بهشت

با اینکه در برخی از سوره‌های قرآن، مانند سورة مریم، آیه ۶۲: «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا» و سورة غاشیه، آیه ۱۱: «لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً»، با نفی «سخن بیهوده»، به طور تلویحی بر وجود گفت‌وگوهای آرامش‌بخش در بهشت تأکید شده است، در سورة الرحمن به طور صریح یا ضمنی به اصوات مطبوع بهشتی اشاره‌ای وجود ندارد؛ با این حال، توصیف برخی از عناصر آن صداهای طبیعی دلنشینی را به ذهن متبادر می‌کند.

بارزترین نمونه توصیف چشمه‌های روان در بهشت است: «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ» (الرحمن/۵۰) (در آن دو [باغ] دو چشمه روان است) و «فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ» (الرحمن/۶۶) (در آن دو [باغ دیگر] دو چشمه همواره جوشان است). فعل‌های «تَجْرِيَانِ» (روان بودن، جاری شدن) و «نَضَّاخَتَانِ» (فوران کردن، جوشیدن با شدت) نه فقط تصویری بصری از حرکت آب ارائه می‌دهند، بلکه به طور ضمنی، صدای آرام‌بخش و پیوسته جریان آب یا صدای زنده‌تر و پویاتر فوران آب از چشمه را نیز به گوش مخاطب می‌رسانند. صدای آب جاری در طبیعت یکی از اصواتی است که در روان‌شناسی محیطی به عنوان عامل کاهش‌دهنده استرس و ایجادکننده حس آرامش شناخته شده است (Berman, 2017, p. 12). شبیه‌سازی و تداعی

این صدا در ذهن مخاطب می‌تواند به تقویت حس آسایش، طراوت و صلح درونی مرتبط با فضای بهشت کمک کند.

همچنین، فضای کلی بهشت که عاری از هرگونه آلودگی صوتی، سخن لغو و بیهوده و درگیری است (که به گزاره آن در سور دیگر اشاره شد)، به طور پیش‌فرض فضایی سرشار از سکوت آرامش‌بخش یا اصوات طبیعی ملایم را تداعی می‌کند. این «نبود صدای آزاردهنده» خود یک کیفیت شنیداری مثبت است که به تجربه لذت و آرامش می‌افزاید.

۳-۲-۲- سکوت، اصوات رعب‌آور و فقدان ارتباط در توصیف جهنم و روز حساب

در مقابل فضای آرام بهشت، صحنه روز حساب و جهنم با سکوت‌های وهم‌آور یا اصواتی همراه است که دلالت بر عذاب و وحشت دارند. آیه «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن/۳۹) (پس در آن روز هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نشود) به یک سکوت وحشت‌زا اشاره دارد. این سکوت، نه از سر آرامش، بلکه از سر قطعی بودن سرنوشت و عدم امکان دفاع یا چون‌وچرا است. این «نپرسیدن»، خود می‌تواند بار روانی سنگینی داشته باشد و فضایی از استیصال و درماندگی را القا کند. مخاطب در این سکوت، گویی صدای درونی اضطراب مجرمان را می‌شنود.

هرچند سورة الرحمن به طور مستقیم به فریادها و ناله‌های جهنمیان اشاره نمی‌کند، توصیف عذاب‌های شدید مانند «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ» (الرحمن/۳۵) (شعله‌هایی از آتش بی‌دود و دودی آتش‌آلود [یا مس‌گداخته] بر شما فرستاده می‌شود) یا «يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ» (الرحمن/۴۴) (میان آن [آتش] و آب جوشان سوزان می‌گردند)، به طور ضمنی این اصوات وحشتناک را در ذهن

¹ Auditory Lexicon

شبیه‌سازی می‌کند. تصور چنین عذاب‌هایی بدون همراهی با فریادهای درد و استغلاشه دشوار است. این اصوات شبیه‌سازی‌شده، هرچند ناگفته‌شده، به تقویت حس ترس و انزجار از جهنم کمک می‌کنند.

همچنین، فقدان ارتباط معنادار و گفت‌وگو در جهنم (در تضاد با هم‌صحبتی‌های بهشتیان و روابط صمیمانه که در سور دیگر آمده)، خود یک جنبه شنیداری منفی است. سکوت ناشی از انزوا و عدم امکان یاری‌جستن («فَلَا تَنْصَرَانِ»: پس نمی‌توانید یاری جوید)، بر وحشت فضا می‌افزاید.

۳-۲-۳- آهنگ و موسیقی سوره

یکی از جنبه‌های تصاویر شنیداری بسیار مهم سوره الرحمن که مستقیماً با واژگان مرتبط نیست اما با تجربه کلی شنیداری سوره گره خورده، آهنگ، وزن و تکرار موزون آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» است. این سوره به دلیل همین ویژگی‌ها به «عروس قرآن» مشهور شده است (السیوطی، ۱۴۳۲ق، ص ۶۹۰). این آهنگ و تکرار، به ویژه در هنگام قرائت، تأثیری عمیق بر شنونده می‌گذارد. از منظر شناختی، ریتم و موسیقی کلام می‌تواند توجه را جلب و حفظ کند، به یادسپاری را تسهیل و حالات عاطفی خاصی را القا کند (Patel, 2010, p. 324). تکرار آهنگین این آیه نوعی ذکر را تداعی می‌کند که می‌تواند به تمرکز ذهن و ایجاد حالتی از خشوع و تأمل کمک کند. این جنبه شنیداری، تجربه حسی را از سطح واژگانی فراتر می‌برد و به یک تجربه زیباشناختی و معنوی شنیداری تبدیل می‌کند که خود در برانگیختن عواطف نقش دارد.

۳-۲-۴- تحلیل شناختی-عاطفی واژگان و جنبه‌های

شنیداری

فعال‌سازی شبیه‌سازی‌های شنیداری در قشر شنوایی مغز، به ویژه هنگامی که با تجربیات پیشین مخاطب از

اصوات طبیعی (مانند صدای آب) یا اصوات مرتبط با خطر و درد (مانند صدای احتمالی سوختن یا فریاد) پیوند می‌خورد، می‌تواند پاسخ‌های عاطفی مستقیمی را برانگیزد. صدای شبیه‌سازی‌شده جریان آب در بهشت، با فعال‌سازی طرح‌واره‌های مرتبط با «زندگی»، «پاکیزگی» و «آرامش»، حس امید، طراوت و رضایت را تقویت می‌کند. سکوت سنگین روز حساب یا اصوات ضمنی وحشت در جهنم، با فعال‌سازی طرح‌واره‌های «خطر»، «تنهایی» و «درماندگی»، حس ترس، اضطراب و خشیت را ایجاد می‌کند. آهنگ و موسیقی خود سوره نیز با تأثیر بر دستگاه لیمبیک مغز و برانگیختن احساسات زیبایی‌شناختی و معنوی، می‌تواند تجربه کلی مواجهه با سوره را عمیق‌تر و ماندگارتر کند. بنابراین، جنبه‌های شنیداری سوره الرحمن، چه از طریق واژگان مستقیم و چه از طریق دلالت‌های فرامتنی و ساختار موسیقایی، نقشی مهم در شکل‌دهی به تجربه عاطفی مخاطب ایفا می‌کند.

۳-۳- واژگان حسی بویایی^۱

حس بویایی، هرچند در مقایسه با بینایی و شنوایی، کمتر به طور مستقیم در سوره الرحمن مورد اشاره قرار گرفته است، با توجه به ارتباط بسیار نزدیک این حس با حافظه و هیجان، اشارات محدود به آن نیز می‌تواند تأثیری جالب توجه در تکمیل تصویر حسی و تجربه عاطفی مخاطب داشته باشد (Herz, 2004, pp. 217-224).

مهم‌ترین اشاره مستقیم به حس بویایی در سوره الرحمن در آیه ۱۲ آمده است: «وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ» (و دانه‌ای که همراه با کاه و برگ است و گیاه خوشبو). کلمه «الرَّيْحَانُ» به طور خاص به گیاهان خوشبو و معطر و به طور عام به هر آنچه بوی خوشی از آن متصاعد می‌شود، اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۸، ذیل ماده «روح»). این واژه، تصویری از رایحه‌های دل‌انگیز

¹ Olfactory Lexicon

و لذت‌های بنیادین انسان، نقشی مهم در ایجاد انگیزه و برانگیختن هیجانات دارد. سورة الرحمن با توصیف طعم‌های دلپذیر در بهشت و اشاره به نوشیدنی‌های ناگوار در جهنم، از این حس برای تقویت پیام خود و تأثیرگذاری بر مخاطب بهره می‌گیرد.

۳-۴-۱- طعم‌های شیرین، گوارا و متنوع در بهشت

توصیف نعمت‌های چشایی در سورة الرحمن به شکلی ملموس به تصویر کشیده شده است و با بهره‌گیری از شواهد مستقیم و ضمنی، تجربه‌ای زنده از طعم‌های بهشتی را در ذهن مخاطب شبیه‌سازی می‌کند. این تصویرسازی با آیاتی آغاز می‌شود که در آن با ذکر نام میوه‌های مشخص، مستقیماً حافظه چشایی مخاطب فعال می‌شود: «فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ» (الرحمن/۶۷). در این آیه، نام‌بردن از خرما (نخل) و انار (رمان)، به طور مستقیم به سراغ تجربیات چشایی پیشین مخاطب می‌رود. خرما با طعم شیرین و غنی و انار با طعم ملس و طراوت‌بخش خود شناخته می‌شود. این ذکر نام یک شبیه‌سازی ذهنی قدرتمند از طعم‌های آشنا و دلپذیر ایجاد و لذت چشیدن آنها را به شکلی ملموس در ذهن بازآفرینی می‌کند.

در سطحی دیگر، قرآن توصیفی کلی اما تأثیرگذار از تنوع و فراوانی میوه‌ها ارائه می‌دهد: «فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ» (الرحمن/۵۲). در اینجا، اگرچه طعم مشخصی بیان نشده است، عبارت‌های «مِنْ كُلِّ» (از هر نوع) و «زَوْجَانِ» (دو گونه یا جفت‌جفت) حس تنوع بی‌نهایت و وفور نعمت را القا می‌کنند. این توصیف «قوة تخیل چشایی» مخاطب را برمی‌انگیزد تا گستره‌ای وسیع از طعم‌های شیرین، گوارا و جدید را تصور کند. لذت در اینجا ناشی از وعده انتخاب و تجربه‌ای بی‌پایان است.

۳-۴-۲- طعم‌های تلخ و سوزان در جهنم

گیاهان و گل‌ها را در ذهن مخاطب زنده می‌کند. بوی خوش در طبیعت معمولاً با احساس طراوت، پاکیزگی، سرزندگی و لذت همراه است. شبیه‌سازی این بو در ذهن می‌تواند حس آرامش و شادابی را القا کند. این آیه، هرچند در توصیف نعمت‌های دنیوی آمده است، زمینه را برای تصور بوهای دلپذیرتر و کامل‌تر در بهشت فراهم می‌کند.

۳-۳-۳- تحلیل شناختی-عاطفی واژگان بویایی

همان‌طور که اشاره شد، سیستم بویایی ارتباطی مستقیم با مراکز پردازش هیجان و حافظه در مغز دارد (Herz, 2004, pp. 217). به همین دلیل، بوها می‌توانند به سرعت و با قدرت، خاطرات و احساسات مرتبط را برانگیزند. اشاره به «الرَّيْحَانُ» (گیاه خوشبو) می‌تواند با فعال‌سازی تجربیات پیشین مخاطب از بوهای مطبوع در طبیعت (مانند بوی گل‌ها، سبزه، یا عطرهای گیاهی)، حس لذت، آرامش، طراوت و حتی نوستالژی را ایجاد کند. این تجربه حسی تصویر ذهنی از نعمت‌های الهی را غنی‌تر و دلپذیرتر می‌کند.

در زمینه بهشت، شبیه‌سازی ذهنی رایحه‌های خوش میوه‌ها و گیاهان به تقویت جاذبه این مکان و ایجاد اشتیاق برای رسیدن به آن کمک می‌کند. حس پاکی و طراوت ناشی از نبود بوهای نامطبوع نیز به احساس امنیت و آرامش روانی می‌افزاید. این تجربیات بویایی شبیه‌سازی‌شده، هرچند ممکن است به اندازه تجربیات بصری یا لامسه پررنگ نباشند، به عنوان بخشی از یک کل منسجم، به عمق و واقع‌گرایی تجربه حسی از جهان موعود در قرآن می‌افزایند و به این ترتیب، در شکل‌دهی به پاسخ عاطفی مخاطب (مانند شکرگزاری، امید، یا انزجار از آنچه فاقد این ویژگی‌هاست) نقش دارند.

۳-۴-۳- واژگان حسی چشایی^۱

حس چشایی، به دلیل ارتباط مستقیم با نیازهای اولیه

¹ Gustatory Lexicon

در مقابل طعم‌های لذت‌بخش بهشت، توصیف نوشیدنی جهنمیان یک تجربه حسی کاملاً متضاد را القا می‌کند. آیه «يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آَنٍ» (الرحمن/۴۴) به «حَمِيمٍ آَنٍ» (آب به نهایت جوشان) اشاره دارد. در حقیقت، تجربه «حمیم» فراتر از یک طعم مشخص است و بیانگر احساسی است که در آن، حس حرارت شدید و درد، جایگزین هر طعم دیگری می‌شود. این تجربه نقطه مقابل نوشیدنی‌های گوارای بهشتی است که لذت‌بخش و حیات‌آفرین هستند.

نکته کلیدی این است که قرآن کریم معمولاً برای درک عذاب از فعل چشیدن استفاده می‌کند، مانند عبارت پرتکرار «ذُوقُوا الْعَذَابَ» (عذاب را بچشید). این کاربرد استعاری نشان می‌دهد «چشیدن» در ادبیات قرآن، به معنای دریافت مستقیم، بی‌واسطه و درونی یک تجربه است. بنابراین، نوشیدن «حمیم»، هرچند طعمی به معنای متداول و رایج ندارد، شدیدترین «طعم» عذاب است که مستقیماً در درون فرد تجربه می‌شود و همان‌طور که در سوره محمد (آیه ۱۵) آمده است، به از هم پاشیدن اندرون (فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ) منجر می‌شود. این توصیف، حس انزجار، وحشت و دردی را شبیه‌سازی می‌کند که در تضاد کامل با لذت‌های بهشتی قرار دارد.

۳-۴-۳- تحلیل شناختی-عاطفی واژگان چشایی

تجربه چشایی، به ویژه طعم شیرین، با فعال‌سازی سیستم پاداش در مغز و ترشح دوپامین همراه است و حس لذت و رضایت را ایجاد می‌کند. توصیف میوه‌های متنوع و آب گوارای بهشتی، با فعال‌سازی شبیه‌سازی‌های ذهنی این طعم‌های لذت‌بخش، علاوه بر اینکه خاطرات خوشایند چشایی را در مخاطب زنده می‌کند، اشتیاق و امید به دستیابی به این نعمت‌ها را نیز در سرای باقی افزایش می‌دهد. این شبیه‌سازی مفهوم «پاداش» الهی را از یک امر

انتزاعی به یک تجربه حسی قابل تصور تبدیل می‌کند. در مقابل، تصور نوشیدن («حَمِيمٍ آَنٍ»، با فعال‌سازی مسیرهای درد و مراکز مرتبط با انزجار در مغز، حس ترس، نفرت و بیزاری شلییدی را ایجاد می‌کند. این تجربه چشایی منفی، به عنوان یک عامل بازدارنده قدرتمند عمل می‌کند و مفهوم «عذاب» را به شکلی ملموس و تکان‌دهنده به تصویر می‌کشد. تضاد شدید میان لذت‌های چشایی بهشت و عذاب‌های چشایی جهنم انتخاب میان این دو سرنوشت را برای مخاطب برجسته‌تر و معنادارتر و او را به تأمل در اعمال خود و انتخاب مسیر صحیح ترغیب می‌کند. این‌گونه، واژگان چشایی در سوره الرحمن، با درگیر کردن یکی از اساسی‌ترین حواس انسان، به تعمیق تجربه عاطفی و تقویت پیام هدایتی سوره کمک شایانی می‌کنند.

۳-۵-۵- واژگان حسی لامسه^۱

حس لامسه، که شامل ادراک دما، بافت، فشار، و درد می‌شود، یکی از بنیادی‌ترین و تأثیرگذارترین حواس در شکل‌دهی به تجربیات و هیجانات ماست. سوره الرحمن به طور گسترده از این حس برای به تصویر کشیدن نرمی و آسایش بهشت و سوزندگی و سختی جهنم بهره می‌گیرد و از این طریق، تضادی قدرتمند و ملموس ایجاد می‌کند.

۳-۵-۱- نرمی، لطافت، راحتی و دمای معتدل در بهشت

توصیفات لمسی بهشت در سوره الرحمن سرشار از مفاهیمی همچون نرمی، لطافت و راحتی هستند. یکی از بارزترین نمونه‌ها در آیه ۵۴ آمده است: «مُتَكِّئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ» (تکیه‌زده بر فرش‌هایی که آستر آنها از ابریشم ضخیم و براق است). «فُرُش» (جمع فرش) به معنای گسترده‌ها و زیراندازهایی است که برای نشستن و خوابیدن استفاده می‌شوند و خود حس راحتی را القا

¹ Tactile/Haptic Lexicon

الرحمن/۳۵ و ۴۳)، اصلی ترین عنصر لمسی در توصیف عذاب است. آتش به طور ذاتی با حس سوزش شدید، درد غیرقابل تحمل و تخریب بافت های بدن همراه است.

آیه ۳۵ به طور خاص این جنبه را بیان می کند: «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنَحَّاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ» (شعله هایی از آتش بی دود و دودی آتش آلود [یا مس گداخته] بر شما فرستاده می شود، پس نمی توانید یاری جوید). «شَوَاظٌ» به شعله خالص و بدون دود آتش گفته می شود که حرارت بسیار زیادی دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۷۰). «نَحَّاسٌ» نیز به دود غلیظ و سیاه آتش یا مس گداخته تفسیر شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۷۹۴). هر دوی اینها، تجربیات لمسی وحشتناکی از گرما و سوزش را القا می کنند. تصور فرستاده شدن این مواد سوزان بر بدن شبیه سازی ذهنی درد و عذابی شدید را به همراه دارد.

آیه ۴۴ نیز این تصویر را تقویت می کند: «يُطَوَّفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ» (میان آن [آتش جهنم] و آب جوشان سوزان می گردند). «حَمِيمٍ آتٍ» (آب بسیار داغ و به نهایت جوشش رسیده) نه فقط تجربه چشایی ناگواری را تداعی می کند (همان طور که پیش تر بحث شد)، بلکه از نظر لمسی نیز بیانگر تماس با مایعی به شدت سوزاننده است که می تواند پوست و گوشت را از بین ببرد. این «طواف» یا رفت و آمد میان آتش و آب جوشان، نشان از عذابی مستمر و گریزناپذیر دارد که هر دو جنبه آن، درد و سوزش لمسی شدیدی را به همراه دارند. علاوه بر این، هرچند سورة الرحمن مستقیماً به غل و زنجیر یا سختی و خشونت بستر جهنمیان اشاره نکرده است (آنچنان که در سور دیگر مانند سورة حاقه آیات ۳۲-۳۰ آمده است)، فضای کلی عذاب و ناتوانی مجرمان («فَلَا تَنْتَصِرَانِ»)، می تواند این گونه تجربیات لمسی منفی را نیز به طور ضمنی در ذهن مخاطب فعال کند.

۳-۵-۳- تحلیل شناختی-عاطفی واژگان لامسه

می کنند. نکته کلیدی در این آیه «إِسْتَبْرَقَ» است که به نوعی ابریشم ضخیم، زربفت و درخشان اطلاق می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۳۷، ذیل ماده «برق»). ابریشم ذاتاً با نرمی، لطافت و خنکی مطبوع همراه است. تصور لمس چنین پارچه ای حس لذت و آسایش فوق العاده ای را در ذهن شبیه سازی می کند. تأکید بر «بَطَانُهَا» (آسترهای آن) نشان از نهایت تجمل و کمال این فرش ها دارد، زیرا حتی بخش درونی و کمتر دیده شده آن نیز از چنین پارچه گران بها و لطیفی ساخته شده است.

در آیه ۷۶ نیز آمده است: «مُتَكِنِينَ عَلَى رَفْرِفٍ خَضِرٍ وَعَبَقَرِيٍّ حِسَانٍ» (تکیه زده بر بالش های سبز و فرش های نیکو و کمیاب). «رَفْرِفٍ» به معنای بالش است و «عَبَقَرِيٍّ» نیز به فرش های بسیار زیبا، نفیس و منقش اطلاق می شود که معمولاً نرم و راحت هستند. این توصیفات، تصویر بهشتیان را در حالتی از آرامش کامل، تکیه زده بر وسایلی نرم و راحت، تکمیل می کند.

علاوه بر بافت، دمای محیط نیز یکی از جنبه های مهم حس لامسه است. هرچند سورة الرحمن مستقیماً به دمای بهشت اشاره نمی کند، توصیف باغ هایی با «ذَوَاتَا أَفْنَانٍ» (الرحمن/۴۸) (دارای شاخسارهای پربرگ و سایه گستر) و نبود اشاره به گرمای آزاردهنده خورشید (در مقابل توصیف «شمس» به عنوان نعمتی با حساب و کتاب در دنیا)، تلویحاً به هوایی معتدل، مطبوع و احتمالاً خنک اشاره دارد. این اعتدال دمایی در تضاد کامل با گرمای سوزان جهنم قرار می گیرد و به احساس آسایش و راحتی در بهشت می افزاید.

۳-۵-۲- سوزش، درد، گرما و سختی در جهنم

در مقابل نرمی و راحتی بهشت، توصیفات لمسی جهنم بر مفاهیمی همچون گرما، سوزش، درد و سختی متمرکز است. واژه «نَّارٍ» (آتش) که چندین بار به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با جهنم به کار رفته اند (مانند

حیاتی و چندلایه در تکمیل و تقویت تجربه حسی و عاطفی ایفا می‌کند. این تکرار صرفاً یک عنصر سبکی یا تأکیدی ساده نیست، بلکه یک راهبرد شناختی-عاطفی پیچیده است (مدحت و احمد، ۱۴۴۶ق، ص ۲۵۴) که از جوانب مختلف بر مخاطب تأثیرگذار است:

۳-۶-۱- ایجاد وقفه، تمرکز و پردازش عمیق

این آیه، پس از هر بخش از توصیفات حسی نعمت‌های الهی (در دنیا و آخرت)، یا پس از اشاره به قدرت و حکمت الهی در خلقت، یا حتی پس از هشدار نسبت به عذاب، مانند یک «ضرب‌آهنگ» یا یک «ایستگاه تأمل» عمل می‌کند. وقفه‌ای که به مخاطب فرصت می‌دهد تا آنچه را به صورت حسی «تجربه» کرده است، پردازش کند، آن را با تجربیات و دانش پیشین خود مقایسه کند و به عمق معنای آن پی ببرد. این تکرار از اشباع شناختی جلوگیری می‌کند و توجه مخاطب را به طور مداوم به محور اصلی بازمی‌گرداند.

۳-۶-۲- چالش مستقیم و برانگیختن پاسخ درونی

این آیه یک پرسش بلاغی مستقیم و چالش‌برانگیز است که جن و انس (مخاطبان اصلی سوره) را خطاب قرار می‌دهد. پس از آنکه مخاطب از طریق شبیه‌سازی حسی، گویی خود بخشی از آن نعمت‌ها را «چشیده» یا عظمت خلقت را «دیده» است، این پرسش مطرح می‌شود: «حال، با این تجربه، چگونه می‌توانی این نعمت‌ها را انکار کنی؟». این چالش، انکار را بسیار دشوارتر می‌کند و مخاطب را به سمت تصدیق و اقرار درونی سوق می‌دهد. حتی اگر پاسخی کلامی داده نشود، این پرسش یک فرایند شناختی و عاطفی درونی را فعال می‌کند.

۳-۶-۳- تقویت و تشدید پاسخ عاطفی

تجربیات لمسی، به ویژه دما و درد، از ابتدایی‌ترین و قدرتمندترین تجربیات حسی هستند که پاسخ‌های عاطفی بسیار شلیددی را برمی‌انگیزند و نقش حیاتی در بقا و یادگیری دارند. توصیف نرمی و لطافت فرش‌ها و لباس‌های بهشتی (با اشاره به استبرق و رفرف) و اعتدال دمای آن، با فعال‌سازی نواحی حسی-پیکری^۱ در مغز، حس آرامش، راحتی، لذت و امنیت فیزیکی را ایجاد می‌کند. این شبیه‌سازی می‌تواند به کاهش استرس و ایجاد حس رضایت و خشنودی عمیق کمک کند.

در مقابل، توصیف آتش، شعله‌های سوزان (شواظ) و آب جوشان (حمیم آن) در جهنم، با فعال‌سازی مسیرهای درد در سیستم عصبی^۲ و برانگیختن طرح‌واره‌های ذهنی مرتبط با آسیب بدنی، سوختگی و درد شدید، حس ترس فوق‌العاده، وحشت، انزجار و اضطراب را القا می‌کند. این توصیفات ملموس و بدنمند، مفهوم «عذاب» را از یک تهدید انتزاعی به یک واقعیت حسی دردناک و قابل تصور تبدیل می‌کنند.

تضاد شدید میان تجربیات لمسی در بهشت و جهنم (نرمی در برابر سوزش، راحتی در برابر درد، اعتدال در برابر گرمای کشنده)، یکی از قدرتمندترین ابزارهای سوره الرحمن برای تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها و باورهای مخاطب است. این تضاد، ارزش نعمت‌های بهشتی را دوچندان و شدت و وخامت عذاب جهنم را به شکلی فراموش‌نشده در ذهن حک می‌کند. به این ترتیب، واژگان لامسه نقشی کلیدی در تجسم‌بخشیدن به مفاهیم پاداش و جزا و در نتیجه، در برانگیختن پاسخ‌های عاطفی و شناختی متناسب با آنها ایفا می‌کنند.

۳-۶-۳- تکرار آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»

آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» که با آهنگی خاص و تأثیرگذار ۳۱ بار در طول سوره تکرار می‌شود، نقشی

² nociceptive pathways

¹ somatosensory cortex

برای مخاطب رقم می‌زند. واژگان حسی، داده‌های خام و ملموس را برای فرایند شبیه‌سازی و تجسم فراهم می‌کنند و تکرار این آیه، این شبیه‌سازی‌ها را در چارچوبی از تأمل مداوم، چالش شناختی، و پاسخ عاطفی فزاینده قرار می‌دهد و به این ترتیب، پیام هدایتی سوره را با قدرتی بی‌نظیر در جان و دل مخاطب می‌نشانند. این تعامل پیچیده میان محتوای حسی و ساختار تکرارشونده، یکی از وجوه برجسته اعجاز بیانی و تأثیرگذاری روانی قرآن کریم در این سوره است.

۴- نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که سورة الرحمن با راهبردی زبانی-شناختی، تجربه‌ای معنوی می‌آفریند که حواس، شناخت و هیجان را درهم می‌آمیزد و مخاطب را به تأمل در نعمت‌های الهی و انتخاب مسیر درست ترغیب می‌کند و با بهره‌گیری از واژگان حسی غنی، حواس پنج‌گانه مخاطب را به گونه‌ای جامع درگیر می‌کند. توصیفات بصری، با جزئیات رنگ، نور و ساختار نعمت‌های بهشتی مانند باغ‌های سرسبز و درخشش حوریان همچون یاقوت و مرجان، در برابر تصاویر هولناک دوزخ با شعله‌های آتش و دود غلیظ، فضاسازی سوره را شکل می‌دهند. واژگان لامسه، با ترسیم نرمی فرش‌ها و جامه‌های بهشتی و تقابل آن با سوزش آتش و آب جوشان دوزخ، تضادی ملموس در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند. حس چشایی نیز با توصیف میوه‌های شیرین بهشتی و آب گوارا، در برابر طعم تلخ نوشیدنی‌های جهنمی، اشتیاق یا نفرت را برمی‌انگیزد. اشارات محدودتر به بویایی با «الرَّیحَانُ» و رایحه‌های بهشتی، و شنیداری با صدای جریان آب یا سکوت روز جزا، تجربه حسی را تکمیل می‌کنند.

بر اساس تحلیل معناشناسی تجسمی، این واژگان فراتر از انتقال اطلاعات، شبیه‌سازی‌های ادراکی را در مخاطب برمی‌انگیزند. زبان حسی سوره مخاطب را به بازآفرینی مجازی صحنه‌ها دعوت می‌کند. این شبیه‌سازی،

با هر بار تکرار این پرسش، به ویژه پس از توصیف یک نعمت جدید و لذت‌بخش، حس شکرگزاری، قدردانی، محبت به خداوند و در عین حال، خشیت از ناسپاسی و انکار این نعمت‌ها در مخاطب تقویت و انباشته می‌شود. این تکرار، مانند موج‌هایی پی‌درپی، بر ساحل قلب و عواطف مخاطب می‌کوبد و تأثیر پیام را عمیق‌تر و پلیدارتر می‌کند. در مواجهه با توصیف عذاب‌ها نیز، پرسش یادشده (که گاهی پس از اشاره به قدرت قاهره الهی می‌آید) می‌تولند به معنای «پس چگونه می‌توانید از قدرت و عدلّت پروردگارتان که این‌گونه بر مجرمان احاطه دارد، غافل باشید و آن را انکار کنید؟» باشد و حس خشیت و نیاز به پناه‌بردن به رحمت او را تشدید کند.

۳-۶-۴- ایجاد انسجام ساختاری و ریتم موسیقایی

این آیه مانند نخ تسبیحی، دانه‌های مختلف توصیفات حسی، استدلال‌های عقلی و مفاهیم ارائه‌شده در سوره را به هم پیوند می‌دهد و یک کل منسجم، هماهنگ و دارای ریتم موسیقایی دلنشین ایجاد می‌کند. این آهنگ و انسجام، خود بر جذابیت و تأثیرگذاری سوره می‌افزاید و به حفظ توجه و ایجاد حالتی از خلسه معنوی یا تمرکز عمیق در شنونده کمک می‌کند.

۳-۶-۵- تأکید بر عمومیت رحمت و مسئولیت همگانی

خطاب «رَبِّکُمْ» (پروردگار شما دو گروه [جن و انس]) و تکرار آن، بر این نکته تأکید دارد که این نعمت‌ها و این مسئولیت شکرگزاری، همگانی و فراگیر است و هیچ یک از این دو گروه مکلف از دایره رحمت و پرسش الهی خارج نیستند. این عمومیت، بار مسئولیت فردی و جمعی را افزایش می‌دهد.

بنابراین، ساختار سورة الرحمن، با ترکیب استادانه توصیفات حسی غنی و چندوجهی و تکرار هوشمندانه و هدفمند آیه کلیدی «فَبِأَيِّ لِّأَاءِ رَبِّکُمْ تُکَذِّبَانِ»، یک تجربه شناختی-عاطفی پویا، یکپارچه و عمیقاً دگرگون‌کننده را

با فعال‌سازی مناطق مغزی مرتبط با ادراک، مفاهیم انتزاعی همچون پاداش، کيفر و رحمت الهی را ملموس و تأثیرگذار می‌کند که با نظریه شیبیه‌سازی زبانی و نقش تجربیات بدنی در معنا همخوان است.

علاوه بر این، یافته‌های پژوهش مؤید پیوند شبیه‌سازی‌های حسی با عواطف بشری است. توصیفات لذت‌بخش بهشت، عواطفی همچون امید، سرور، آرامش و سپاسگزاری را فعال می‌کند و تصاویر دردناک دوزخ، ترس، اضطراب و ندامت را برمی‌انگیزد. این پاسخ‌های عاطفی ریشه در تجربیات بدنی شبیه‌سازی‌شده دارند و نگرش‌ها و کنش‌های مخاطب را به سوی مسیر صحیح هدایت می‌کنند.

همچنین، ساختار سوره، به ویژه تکرار آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»، تأثیر واژگان حسی و عواطف را تعمیق می‌بخشد. این تکرار، با ایجاد فرصت تأمل و طرح پرسشی چالش‌برانگیز، مخاطب را به پردازش عمیق‌تر و پاسخ عاطفی شدیدتر مانند شکرگزاری هدایت می‌کند. تعامل محتوای حسی و ساختار تکرارشونده سازوکار کلیدی تأثیرگذاری سوره است.

منابع

قرآن کریم.

آرام، محمدرضا. (۱۳۹۰). معناشناسی خشیت در قرآن کریم. *فصلنامه علوم اسلامی*، ۵، ۳۵-۵۱.

<https://sid.ir/paper/167637/fa>

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب* (جلد ۲). بیروت: دار صادر.

اقبال، عباس، و قربانی، بتول. (۱۳۹۲). تحلیل عناصر تصویر هنری در آیات مربوط به حیات بعد از مرگ. *فصلنامه ادبیات دینی*، ۲(۴)، ۶۲-۴۷.

<https://civilica.com/doc/569897>

ایازی، سید محمد علی. (۱۳۸۰). *چهره پیوسته قرآن*. تهران: نشر هستی نما.

ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۱). *خدا و انسان در قرآن*.

معناشناسی جهان‌بینی قرآنی (احمد آرام، مترجم). تهران: شرکت سهامی انتشار.

خامه‌گر، محمد. (۱۳۸۶). *ساختار هندسی سوره‌های قرآن: پیش‌درآمدی بر روش‌های نوین ترجمه و تفسیر قرآن کریم*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

ذوقی، امیر. (۱۳۹۲). نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۲(۲)، ۱۷۵-۱۵۱.

<https://www.sid.ir/paper/233271/fa>

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دار المعرفة.

السیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۳۲ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور* (جلد ۷). بیروت: دار الفکر.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن* (سید محمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کاشف بناب، حسین، رضوی پور، سید فضل الله، محمدی، حسن، و نجف پور، جعفر. (۱۴۰۲). هنر سازه‌های مفید در سوره‌های الرحمن، حدید و حشر. *پژوهش‌های اعتقادی - کلامی*، ۱۳، ۱۶۱-۱۹۰.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.98991735.1402.13.49.7.0>

محمدرضایی، علی رضا، و طهماسبی، عبد الصاحب. (۱۳۹۸). سوره الرحمن در اسسه صوتیه شامله. *مجله اللغة العربیه وآدابها*، ۱۵(۲)، ۲۹۲-۳۱۳.

<https://doi.org/10.22059/jal-lq.2019.272686.878>

محمدی حسن آبادی، فیروزه. (۱۳۹۳). رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم رنگ و کاربست آن در قرآن کریم. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۳(۱)، ۷۷-۹۲.

<https://doi.org/20.1001.1.24233889.1393.3.1.5.6>

مدحت، قسمة، و احمد، وسام طه شهاب. (۱۴۴۶ق). اسرار التکرار فی سورة الرحمن. *مجله الفتح*، ۲۴۵-۲۵۴.

- cognitive science. Cambridge University Press.
- Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(2), 348–362. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.85.2.348>
- Herz, R. S. (2004). A naturalistic analysis of autobiographical memories triggered by olfactory, visual, and auditory stimuli. *Chemical Senses*, 29(3), 217–224. <https://doi.org/10.1093/chemse/bjh025>
- Ibn Manzur, M. (1994). *Lisan al-Arab* (Vol. 2). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Izutsu, T. (1982). *God and Man in the Quran: Semantics of the Quranic Weltanschauung* (A. Aram, Trans.). Tehran: Sherkat-e Sahami Enteshar. [In Persian]
- Johnson, M. (1987). *The body in the mind: The bodily basis of meaning, imagination, and reason*. University of Chicago Press.
- Kashef Bonab, H., Razavi Pour, S. F., Mohammadi, H., & Najaf Pour, J. (2023). The art of useful structures in Surahs Ar-Rahman, Hadid, and Hashr. *Theological-Kalam Researches*, 13, 161–190. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.98991735.1402.13.49.7.0> [In Persian]
- Khamegar, M. (2007). *Geometric Structure of Quranic Surahs: An Introduction to New Methods of Translation and Interpretation of the Holy Quran*. Tehran: Islamic Development Organization, International Publishing Company. [In Persian]
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. University of Chicago Press.
- Lazarus, R. S. (1991). Progress on a cognitive-motivational-relational theory of emotion. *American Psychologist*, 46(8), 819–834. <https://doi.org/10.1037//0003-066x.46.8.819>
- Lindquist, K. A., MacCormack, J. K., & Shablack, H. (2015). Language and emotion: Putting words into feelings and feelings into words. *Frontiers in Psychology*, 6, 1–17. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2015.00444>
- Medhat, Q., & Ahmed, W. T. S. (2024). Secrets of repetition in Surah Ar-Rahman. *Al-Fatih Journal*, 245–254. [In Arabic]
- Meola, K. V. (2005). The psychology of color. مراد صحرایی، رضا، و نصرتی موموندی، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی روابط متنی قرآن (مطالعه موردی سورة احقاف). *سراج منیر*، ۵، ۶۷–۸۸. <https://doi.org/10.22054/ajsm.2014.1297>
- نظری، راضیه، و موسوی بفروئی، سید محمد. (۱۳۹۹). بررسی شناختی استعاره‌های حوزه مفهومی اسماء زمان در قرآن کریم. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۹(۱)، ۳۳–۴۸. <https://doi.org/10.22108/nrgs.2019.1157>
- ولیئی، یونس، میرزایی الحسینی، سید محمود، و فرهادی، محمد. (۱۳۹۵). عناصر انسجام متنی در سورة نوح. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۵(۱)، ۶۹–۸۶. <https://www.sid.ir/paper/263979/fa>
- ## References
- The Holy Quran.
- Al-Suyuti, J. (2011). *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi-al-Ma'thur* (Vol. 7). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Aram, M. R. (2011). Semantics of 'Khashyat' in the Holy Quran. *Islamic Sciences Quarterly*, 5, 35–51. <https://sid.ir/paper/167637/fa> [In Persian]
- Ayazi, S. M. A. (2001). *The Coherent Face of the Quran*. Tehran: Hasti Nama. [In Persian]
- Barsalou, L. W. (1999). Perceptual symbol systems. *Behavioral and Brain Sciences*, 22(4), 577–660. <https://doi.org/10.1017/S0140525X99002149>
- Bergen, B. K. (2012). *Louder than words: The new science of how the mind makes meaning*. Basic Books.
- Berman, M. G. (2017). *Nature and environment: The psychology of its benefits and its protection*. Frontiers Media SA.
- Eqbali, A., & Ghorbani, B. (2013). Analysis of artistic image elements in verses related to life after death. *Journal of Religious Literature*, 2(4), 47–62. <https://civilica.com/doc/569897> [In Persian]
- Geeraerts, D. (2007). Introduction: The history of cognitive linguistics. In D. Geeraerts & H. Cuyckens (Eds.), *The Oxford handbook of cognitive linguistics* (pp. 3–46). Oxford University Press.
- Gibbs, R. W. (2006). *Embodiment and*

- Bulletin*, 110(3), 426–450.
<https://doi.org/10.1037/0033-2909.110.3.426>
- Scherer, K. R. (2005). What are emotions? And how can they be measured? *Social Science Information*, 44(4), 695–729.
<https://doi.org/10.1177/0539018405058216>
- Schiewer, G. L., Altarriba, J., & Ng, B. Ch. (Eds.). (2022). *Language and emotion: Volume 1*. De Gruyter Mouton.
- Singh, A. K. (2024). Understanding the self from the embodied cognition paradigm. *Journal of Philosophical Theological Research*, 26(1), 121–140.
<https://doi.org/10.22091/JPTR.2024.9899.2947>
- Tabataba'i, S. M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (S. M. B. Mousavi Hamedani, Trans.). Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Society. [In Persian]
- Valiei, Y., Mirzaei Al-Husseini, S. M., & Farhadi, M. (2016). Elements of textual coherence in Surah Nuh. *Linguistic Researches in the Holy Quran*, 5(1), 69–86.
<https://www.sid.ir/paper/263979/fa> [In Persian]
- Varela, F. J., Thompson, E., & Rosch, E. (1991). *The embodied mind: Cognitive science and human experience*. MIT Press.
- Wood, B. (1998). *The healing power of color: Using color to improve your mental, physical, and spiritual well-being*. Three Rivers Press.
- Zoghi, A. (2013). A new perspective on the textual coherence of the Quranic Surahs. *Quran and Hadith Studies*, 6(2), 151–175.
<https://www.sid.ir/paper/233271/fa> [In Persian]
- Zwaan, R. A. (2004). The immersed experienter: Toward an embodied theory of language comprehension. In Brian H. Ross (Ed.), *The psychology of learning and motivation* (Vol. 44, pp. 35–62). Elsevier Academic Press.
- Hohonu, 3, 39–43.
- Mohammad Rezaei, A. R., & Tahmasebi, A. (2019). Surah Ar-Rahman: A comprehensive phonetic study. *Journal of Arabic Language and Literature*, 15(2), 292–313.
<https://doi.org/10.22059/jal-lq.2019.272686.878> [In Arabic]
- Mohammadi Hasan Abadi, F. (2014). Semiotic approach to the concept of color and its application in the Holy Quran. *Linguistic Researches in the Holy Quran*, 3(1), 77–92.
<https://doi.org/20.1001.1.24233889.1393.3.1.5.6> [In Persian]
- Morad Sahraei, R., & Nosrati Momvandi, F. (2014). Investigating textual relations in the Quran (Case study: Surah Al-Ahqaf). *Seraj-e Munir*, 5, 67–88.
<https://doi.org/10.22054/ajsm.2014.1297> [In Persian]
- Nazari, R., & Mousavi Bafrouei, S. M. (2020). Cognitive study of metaphors in the conceptual domain of time nouns in the Holy Quran. *Linguistic Researches in the Holy Quran*, 9(1), 33–48.
<https://doi.org/10.22108/nrgs.2019.115726.1395> [In Persian]
- Patel, A. D. (2010). *Music, language, and the brain*. Oxford University Press.
- Raghib Isfahani, H. (2001). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Beirut: Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Ritchie, L. D. (2022). *Feeling, thinking, and talking: How the embodied brain shapes everyday communication*. Cambridge University Press.
- Ross, Ph., & Atkinson, A. P. (2020). Expanding simulation models of emotional understanding: The case for different modalities, body-state simulation prominence, and developmental trajectories. *Frontiers in Psychology*, 11.
<https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00309>
- Russell, J. A. (1991). Culture and the categorization of emotions. *Psychological*